

شماره دویست

۱۳۰۸۲۶۶

حقوق قراردادهای نفت و گاز

تحوّل تدریجی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران

تألیف: دکتر حسن الله رحیمی



۱۳۹۵

سرشناسه	: رحیمی، فتح‌الله، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق قراردادهای نفت و گاز: تحول تدریجی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران / تألیف فتح‌الله رحیمی.
مشخصات نشر	: تهران : گنج دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ ص.
شابک	: 978-600-6244-59-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۹۴.
عنوان دیگر	: تحول تدریجی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران.
موضوع	: قراردادهای نفت و گاز
موضوع	: قراردادهای نفت و گاز — ایران
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴۷ح۳/۳۹۱۵K
رده بندی دیویی	: ۳۴۳/۰۷۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۹۰۴۱۱



انتشارات گنج دانش

خیابان باب همایون، شماره ۳۶ تلفن ۱۰۵۷۵

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین شماره ۳۱۴ تلفن: ۶۶۴۹۲۱۹۶

حقوق قراردادهای نفت و گاز

چاپ اول - ۱۳۹۵ - شمارگان ۲۰۰ جلد

لیتوگرافی ترنج رایانه - چاپ رهنما - صحافی تهران

ISBN: 978-600-6244-59-4

شابک: ۴ - ۵۹ - ۶۲۴۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خداوند عالمیان را که به لطف او دریچه‌ای از معرفت گشوده شده تا در مسیر گذران عمر به همت بینندگان به سعادت عظمی که در کسوت استادی خویش راهپویان عطشان معرفت را دلیل شده و بهره‌دارانش سر منزل مقصود رهنمون می‌گردند؛ بتوانم به تحصیل علم و دانش بپردازم. در بیکران خداوند قادر متعال بر رسولش و آل او باد که نگارنده این سطور به مرحمت توکل به این خاندان بی بدیل، که ذخیره روزگارند و فرصت صحبت شان نعمتی بیشمار؛ موقعیتی را ارائه داد تا با تجدید قوا از چشمه زلال معرفت بهره برده و با شناخت لازم، طرحی نو در انداخته و با ژرف اندیشی به اطراف زندگی و روابط مردمان، تعاملات بین ملل عالم را بهتر شناخته و به اقتضای شرایط و تناسب موقعیت‌های فرا رو، گامی برداشته و خدمتی نماید.

کتاب حاضر که در واقع جستاری تحقیقی و تحلیلی است و در زمره گام‌های نگارنده این سطور در پهنه حقوق تجارت بین الملل است را به روح بلند و ملکوتی پدر و مادر فداکارم که در پرورش، تربیت و کسب دانش این فرزند خویش، اهتمام بی دریغ داشته و به همسر مهربان و فرزندان عزیزم که در این مسیر همواره در کنارم بوده و مرا یاری و حمایت کرده‌اند؛ تقدیم می‌کنم؛ باشد که مقبول اندیشمندان محترم واقع شود.

دکتر فتح الله رحیمی

نهران - آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۲۵	فصل اول - ظهور قراردادهای بین المللی نفتی، موقعیت، ماهیت، مفهوم و انواع آن
۲۵	بخش اول: موقعیت حقوقی قراردادهای بین المللی نفتی در عالم حقوق
۲۵	مبحث اول: نظام حقوقی حاکم بر مالکیت منابع نفتی در عالم حقوق
۳۲	مبحث دوم: تاریخچه قراردادهای بین المللی نفتی و انواع ساختارهای مربوط و خصوصیات آنها
۴۹	مبحث سوم: ماهیت حقوقی قراردادهای بین المللی نفتی و نظام حقوقی حاکم بر آنها
۶۳	مبحث چهارم: حقوق بین الملل و موقعیت قراردادهای بین المللی نفتی
۶۹	بخش دوم: ظهور قراردادهای بین المللی نفتی در قالب بیع متقابل (قرارداد خدمت) در عالم حقوق
۷۰	مبحث اول: ظهور قراردادهای بیع متقابل در عالم حقوق بین الملل
۷۳	مبحث دوم: ظهور بیع متقابل در حقوق داخلی و صنعت نفت ایران
۸۰	مبحث سوم: شکل و ماهیت حقوقی قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل
۸۴	مبحث چهارم: محور ساخت نظام حقوقی قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل
۸۷	فصل دوم - نظام حقوقی و مالی قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل (قراردادهای خدمت)
۸۷	بخش اول: ملاحظات حقوقی پیرامون قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل
۸۸	مبحث اول: توصیف بیع متقابل و مقایسه آن با تأسیسات و نهادهای حقوقی داخلی و بین المللی
۱۰۰	مبحث دوم: قانون حاکم و نظام حقوقی قراردادهای بین المللی نفتی بیع متقابل

مبحث سوم: شاخصه‌های ساختاری قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۰۸
مبحث چهارم: اصل حاکمیت دولت و قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل و رویکردهای حقوقی پیرامون آن.....	۱۱۵
بخش دوم: اهداف، ویژگی، نظام مالی و ریسک‌های قرارداد بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۲۶
مبحث اول: اهداف قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۲۶
مبحث دوم: ویژگی‌های عمده قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل برای توسعه میادین نفتی.....	۱۲۸
مبحث سوم: نظام مالی قرارداد بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۳۲
مبحث چهارم: نظارت بر نحوه اجرای قرارداد بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۳۷
بخش سوم: کاستیهای قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۴۱
مبحث اول: رجوع افتراقی بین نسلی قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۴۸
مبحث دوم: عدم استقالات پیمانکاران بین‌المللی به فعالیت طبق قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۵۱
مبحث سوم: انتقال عمل ریسک سرمایه‌گذاری به پیمانکاران.....	۱۵۷
مبحث چهارم: عدم انتقال انشرفنی و تکنولوژی، عدم رعایت تولید صیانتی و ابهام در موضوع انجام کار پروژه.....	۱۶۲

فصل سوم - بازنگری و تحول در محتوای قراردادهای بین‌المللی نفتی..... ۱۷۵

بخش اول: نظام حقوقی حاکم بر تحول و دگردیسی قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۷۵
مبحث اول: طراحی قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل در گردهمایی و تکامل مرحله‌ای آن در بستر حقوق ایران.....	۱۷۶
مبحث دوم: تکامل محتوایی قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۱۹۵
مبحث سوم: تأثیر ملاحظات قانونی، سیاسی، مالی و فنی بر رجوع به بیع متقابل و اهداف نوسازی آن.....	۲۰۲
مبحث چهارم: اهداف قراردادهای بین‌المللی بیع متقابل از ظهور تا تکامل در مسیر تحول و دگردیسی.....	۲۰۷
بخش دوم: رویکردها و چشم‌اندازها، مبانی، شرایط عمومی و ساختارها و ویژگی‌های نسل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی.....	۲۱۰
مبحث اول: رویکردها و چشم‌اندازهای طراحی نسل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی.....	۲۱۰
مبحث دوم: مبانی قانونی تحول در قراردادهای نفتی و ظهور نسل جدید قراردادهای نفتی ایران.....	۲۱۷

مبحث سوم: توصیف و تحلیل مدل جدید قرارداد بالادستی نفتی ایران.....	۲۲۴
مبحث چهارم: ویژگی‌های منحصر بفرد نسل جدید قرارداد بالادستی نفتی ایران.....	۲۳۵
بخش سوم: بایسته‌های مدل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی (نقش و تأثیر آنها در حقوق متقابل پیمانکار و کارفرما).....	۲۶۸
مبحث اول: مراحل اکتشاف، ارزیابی و توسعه در قراردادهای بین‌المللی بالادستی نفت.....	۲۶۹
مبحث دوم: توجه به دغدغه‌های پیمانکاران بین‌المللی نفتی بیع متقابل.....	۲۷۴
مبحث سوم: نقش مدل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی در اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری میادین نفت و گازی.....	۲۸۲
مبحث چهارم: اتخاذ استراتژی مناسب برای استفاده از ساز و کار حقوقی نفتی در جهت منافع ملی.....	۲۸۵
نتیجه‌گیری.....	۲۸۹
منابع و مآخذ.....	۲۹۴

مقدمه

قرن بیستم شاه تحولاتی بوده که تغییراتی بنیادین و اساسی در حقوق بین‌الملل و اندیشه‌های مرتبط با آن ایجاد کرد.

رویه دولتها و مراجع داوری و قضائی، همچنین فعالیت سازمانهای بین‌المللی به حجم قواعد نظام حقوقی بین‌المللی افزوده و علیرغم آنکه حقوق بین‌الملل به لحاظ ارزشی، بیطرف و خنثی بوده و استبداد و استعمار موجود را نه تأیید و نه رد می‌کرد، تأسیس دولتهای جدید و ظهور ایدئولوژیهای مختلف و فاصله چشمگیر دولتها در ثروت و توسعه اقتصادی، موجب پیدایش دیدگاههای جدیدی در حقوق بین‌الملل و نقض برخی از مفاهیم و ساز و کارهای آن شده و حتی سبب تغییراتی در ماهیت و معنای قدرت گردیده است.

اعلام استقلال کشورهای مستعمره، روند روبه رشد توسعه اقتصادی و مبادلات اقتصادی و صنعتی میان کشورها، سبب ظهور طیف وسیعی از قراردادهای بین دولتها و یا دولتها با اتباع سایر دول شده و قراردادهای دولتی و بویژه قراردادهای بین‌المللی نفتی در توسعه اقتصادی کشورها و نتیجتاً توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجارت بین‌الملل نقش برجسته‌ای ایفاء نمودند.

الزام قانونی حاکمیت‌ها در نظامهای حقوقی متفاوت داخلی، از حیث اندراج شروط مربوط به حقوق حاکمه در قراردادهای بعنوان حقوق عمومی، فصل‌نویسی را در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی در راستای استفاده از منابع عمومی کشورها در تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل اقتصادی گشوده است.

مبتهی بر قطعنامه تاریخی ۱۸۰۳/۱۷ مجمع عمومی در سال ۱۹۶۲ دایر بر شناسایی حقوق ملت‌ها نسبت به منابع و ثروتهای طبیعی مربوط از جمله حق کنترل و ملی کردن سرمایه‌گذاریها - که در واقع حاصل مصالحه بزرگی بین مواضع و نظرات متباین در باب

لرزم تأدیه خسارت مقتضی و رعایت قراردادهای منعقد شده بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولتها بود- و متعاقباً از دیاد موارد ملی کردن یا مصادره منافع خارجی در خلال یک دهه بعد در سالهای ۸۰-۱۹۷۰ پس از وقوع نخستین بحران انرژی (نفت) و نظر به تبلور رسمی خواسته‌ها و منویات این کشورها زیر شعار ایجاد «نظم نوین اقتصادی بین‌المللی» بمنظور اعمال تغییرات اساسی در سیستم بازرگانی و مالی جهان، علیرغم ابراز مقاومت نسبی از سوی کشورهای پیشرفته، طی یک سلسله قطعنامه‌های مجمع عمومی در قالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انعقاد انبوهی از معاهدات دو جانبه درباره تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری، آثار حقوقی بر قراردادهای بین‌المللی نفت مترتب شده که بعضاً تجلی خارجی آن در تغییرات و اصلاحاتی که در این نوع قراردادهای بین‌المللی ایجاد شده، مشهود است.

بی‌شک طایفه حقوق بین‌الملل، دولت مکلف است به قراردادهایی که آزادانه با یک طرف خارجی منعقد کرده، اترام گذارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۲ در قطعنامه شماره ۱۸۳۱۷ خود درباره حاکمیت دایم بر منابع طبیعی، قاعده یادشده را با این عبارت که «قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی که آزادانه توسط دولتها و فیما بین آنها انعقاد یافته است، باید با حسن نیت اجرا گردند...» تأیید نموده است.

مع الوصف، این کتاب در صدد است تا با ابتدای به رویکرد حقوق تجارت بین‌الملل و در پرتو آن، فارغ از تجزیه و تحلیل عمل مؤسسات شرکتی که به نیابت از دولت و در راستای اعمال حق مالکیت ملت بر منابع نفتی بعنوان اصل نیابتی، مبادرت به انعقاد و اجرای قراردادهای بین‌المللی نفتی می‌نمایند، نوعی از این قراردادها با لحاظ وصف اداری یا خصوصی و سابقه‌ای که در حوزه اجرا دارند، مورد تجزیه تحلیل قرار گیرند.

در این راستا تلاش خواهد شد تا از منظر حقوقی، مفهوم، ماهیت، ناسبتها و بایسته‌های قراردادهای بین‌المللی نفتی مورد نظر، مورد کنکاش قرار گرفته و از دیدگاه حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجارت بین‌الملل، موقعیت این قراردادها در شرایط اقتصادی کشور صاحب منابع نفتی، در رشد و توسعه صنعت نفت شناسایی شود.

از آنجا که انعقاد این نوع قراردادها با هدف توسعه صنعت نفت و تحصیل درآمد برای کشور و جذب سرمایه خارجی و انتقال دانش فنی و تکنولوژی صورت می‌پذیرد، لذا کوشش می‌شود میزان تأثیر، محتوا، تعهدات و شروط آنها در جذب سرمایه خارجی و رغبت و ایجاد انگیزه برای پیمانکار بین‌المللی نفتی جهت پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری، شیوه حل و فصل اختلافات و رویکردهای حقوقی و قضایی مربوط، تبیین گردد.

نظر به اینکه طراحی و تدوین نسل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی با رویکردهای حقوقی، فنی و مالی، سبب شده تا این نسل از قراردادهای نفتی، از پویایی و انعطاف لازم متناسب با شرایط و توسعه یافتگی فناوری و مدیریتی کشور برخوردار باشد؛ لذا با توجه به جامعیت، وحدت و یکپارچگی مراحل مختلف عملیات نفتی در این نسل از قراردادهای نفتی، تصدی‌گری مشترک عملیات نفتی اعم از اکتشاف، توسعه و تولید، و الحاق مرحله عملیات بهره‌برداری یا تولید به مرحله توسعه با رویکرد خدماتی و واگذاری مدیریت و راهبری چاه‌ها، نفت و گاز بمنظور جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در قالب مشارکت با پیمانکار سود، می‌پذیرد.

با توجه به تغییراتی که در نسل جدید قراردادهای نفتی بوجود آمده است، مدت زمان تعهدات و حضور پیمانکار، در پروژه افزایش یافته و نرخ پرداخت هم با مکانیسمی خاص به نوعی به سمت «به ازای هر بشکه» تولید نفت متمایل گردید.

هرچند امکان بوکینگ یا رزرو سهم پیمانکار از محل عواید میدان، که یکی از مطالبات پیمانکاران نفتی و از عوامل مؤثر در رانت آنان به سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز است، در این قرارداد آنچنانکه باید ملحوظ شده است؛ لکن انعطاف‌پذیری قراردادهای مربوط برای اصلاح به موقع و بدون تأخیر آنها به جهت تغییر و دگرگونی رفتار نقطه به نقطه مخازن نفتی، تمایل به مشارکت در سود و سرمایه‌گذاری، تحول در ساز و کار بازیافت هزینه‌ها، پیش‌بینی حق‌الزحمه یا پاداش و مشارکت پیمانکار در منافع نفتی و هم‌راستایی منافع طرفین قرارداد در بهره‌وری عملیات نفتی، رعایت قواعد تعالی صیانتی از میدان، عدم هزینه‌محوری، تقسیم ریسک افزایش هزینه‌های عملیات توسعه و ایجاد تفاهم و هم‌راستایی منافع طرفین، بجای تعارض و تقابل منافع آنها شده است.

طبقه‌بندی هزینه‌های نفتی بر حسب مراحل اجرای عملیات، تعبیه کاتیرمهای متفاوت برای بازیافت هزینه‌ها و حق‌الزحمه اعم از هزینه‌های نفتی شامل هزینه‌های عملیات اکتشاف، توسعه و تولید و هزینه‌های سرمایه‌ای مستقیم، هزینه تأمین مالی، هزینه‌های غیر مستقیم، ریسک عدم کفایت تولیدات و بازیافت سهم شرکت ملی نفت ایران از هزینه‌ها، شیوه پرداخت حق‌الزحمه (پاداش)، و چاره جویی برای موارد فسخ پیمان یا حدوث فورس‌ماژور و حل و فصل اختلافات، از تحولاتی است که در نسل جدید قراردادهای نفتی ایجاد شده است.

در این کتاب، علاوه بر تبیین موجز انواع قراردادهای نفتی، با تحلیل سه نسل از قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل و بیان کاستیهای آنها، مبانی فکری و قانونی تحول

در قراردادهای نفتی ایران تبیین و التهایه با توصیف و تحلیل طرح جدید قرارداد نفتی بالادستی ایران (I.P.C)، ویژگی‌های منحصر به فرد این نوع از قراردادهای بین‌المللی نفتی و الزامات و ضرورت‌های تحول و نوسازی آنها با لحاظ دگرگیدی و تحولاتی که تاکنون داشته اند، تشریح می‌شود و متعاقباً با توضیحی پیرامون موارد حل و فصل اختلاف و فورس ماژور، با توجه به بیان وجوه افتراق بین نسلی قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل، نسل جدید قراردادهای نفتی، تأثیر و نقش تعیین کننده آن در توسعه صنعت نفت و آثار حقوقی انعقاد چنین قراردادهایی بنحو مستوفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

از حیث بیان مسئله لازم به ذکر است، که نظام حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفتی هم در ساحت، محتاری و هم در ساحت هنجاری، برآمده از مقتضیات اقتصادی و اجتماعی کشورهای صاحب سهم طایعی نفت و گاز و منبعث از اصل حاکمیت ملت‌ها بر سرنوشت خویش بویژه سه طره منابع ملی و ثروت‌های عمومی مربوط است، لذا علی‌الاصول برای تنظیم روابط حقوقی بین کشور صاحب این منابع طبیعی با شرکت سرمایه گذار بین‌المللی خارجی بکار می‌روند تا نسیم قرارداد، بین آنان در موضوع مربوط برقرار و نتیجتاً به سبب احتمال ایجاد خلل در این نظم وجود، رتباط این ساختارهای حقوقی با نظم مستقر بطور منطقی و معقول حفظ شود. بنابراین، از آن جهت که اساساً ساخت قواعد، آئین‌ها و روش‌های حقوقی بلحاظ اینکه کارکرد صحیح آنها ضمن اجرای صحیح حق مقرر و تضمین کننده احیای حقوق ماهوی موجود در آنها است و فی‌الحال، ارزش محسوب می‌شوند، لذا ساختار حقوقی این قراردادها که متشکل از یک کل مرتبه با اجزاء است و فی‌الواقع براساس یک سری اصول اقتصادی، حقوقی و فنی^۱ همراه با ملاحظات اجتماعی شکل می‌گیرد؛ این نقش اساسی را در این میان ایفاء می‌کند.

آنچه که سبب تألیف این کتاب شده، علیرغم وجود کتب و مقالات حقوقی در باب قراردادهای نفتی^۲، فقدان مستندی مکتوب و قابل اتکا در باب تحلیل و واکاوی حقوقی نسل جدید قراردادهای نفتی می‌باشد که قرار است برخی از کشورهای صاحب منابع طبیعی نفت

۱. مثلاً مفهوم مالکیت، اصلی است که در ساختار اقتصادی یک قرارداد بیع متقابل بسیار حائز اهمیت است و با اصل وفای به عهد و رعایت حقوق متقابل و اجرای قراردادها با حسن نیت، اصولی هستند که باید در روابط حقوقی طرفین مورد توجه واقع و مزیاعات شود.

۲. کتب و مقالات مربوط به نویسندگان صاحب نظر در این عرصه در قسمت منابع و مأخذ معرفی شده و حسب مورد نیز در بخشها و قسمتهای مختلف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.

و گاز، بویژه جمهوری اسلامی ایران، فعالیتهای توسعه‌ای این حوزه را با اکتفا به آن بمنظور تأمین مالی اجرای طرحهای موردنظر و استفاده از تکنولوژی و دانش فنی شرکتهای سرمایه گذار بین‌المللی خارجی به آنان واگذار کنند؛ لیکن شرایط قراردادی و حقوق معینه در ساختار قبلی این قرارداد بین‌المللی نفتی بگونه‌ای است که نه تنها در وضعیت‌های مختلف از جمله شرایط بحران‌های سیاسی، اوضاع نابسامان مالی و یا تحریم، بلکه در موقعیت‌های عادی امروزه نیز آنچنانکه باید بستر جذب سرمایه خارجی را فراهم نمی‌کند و شرکتهای بزرگ پیمانکار بین‌المللی نفتی تمایلی به انعقاد چنین قراردادی ندارند.

در باب ضرورت انجام این پژوهش باید بیان داشت که بررسی و تحلیل حقوقی قراردادهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری در مقابل تا قرارداد جدید نفتی ایران (I.P.C) بطور خاص و جنبه‌های مختلف این قراردادها محور مطالعه در این کتاب است تا ضمن مقایسه‌ای منطقی با سایر شیوه‌های قراردادی برای حضور شرکتهای بین‌المللی نفتی در عرصه اکتشاف، توسعه، تولید و بهره‌برداری از میدان نفتی، یا مدل سازی خاص قراردادهای نفتی مذکور بمنظور ایجاد شرایطی بهتر برای ارائه مدل‌های فنی و اقتصادی، امکان بهینه سازی شرایط این قراردادهای بین‌المللی نفتی فراهم شود.

از آنجا که قرارداد بین‌المللی نفتی بیع متقابل تحت عنوان قرارداد خدمت، عملاً از سال ۱۳۷۴ در صنعت نفت کشور عامل تنظیم کننده روابط بین دولتی و شرکتهای سرمایه گذار نفتی معتبر بین‌المللی بوده و توانسته در مسیر جذب سرمایه خارجی برای اجرای پروژه‌ها و طرحهای توسعه‌ای ایفای نقش نماید، با توجه به کارکردی که داشته، مواجه با وضعیتی شده که اکنون در شرایط و موقعیت اقتصادی و سیاسی فعلی در عرصه فعالیتهای توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری صنعت نفت و وجود رقبای قدرتمند نفتی در جهان، احتیاج بازنگری و تحول است تا در قالب طرحی نو بتواند ضمن حفظ منافع ملی، سبب جذب سرمایه خارجی و انتقال دانش فنی و تکنولوژی به داخل کشور و موجب رغبت شرکتهای بزرگ و معتبر بین‌المللی برای حضور در میادین نفتی ایران شود.

با توجه به پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیکی کشورها در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و به تبع آن نوآوری‌های حقوقی در باب همین منظور، از آنجا که قرارداد نفتی به جهت موضوع آن، که معطوف به منابع طبیعی و ثروتهای عمومی است، باید در راستای اعمال حق حاکمیت ملت بر این منابع و ثروتهای انطباق کاملی با موازین قانونی داشته و در راستای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور تنظیم شود؛ لذا در کتاب تلاش شده تا آنجا که ممکن است

موضوع با نگرش به محور ساخت نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل که همان جذب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی برای توسعه اقتصاد کشور با حفظ حاکمیت و اعمال حق مالکیت ملت بر منابع ملی و ثروتهای عمومی و انفال است، همراه با توصیف قرارداد جدید بالادستی نفتی ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و با بیان کاستیها و متقابلاً بایسته‌های آن با نگرشی نو، پژوهشی کاربردی و ماندگار صورت پذیرد.

هدف از این پژوهش، ارائه تحلیلهای کاربردی در زمینه بهبود شرایط سرمایه‌گذاری خارجی از طریق انعقاد قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل توأم با حفظ حاکمیت دولت بر منابع ملی، همراه با بیان نقاط قوت و ضعف این قراردادها در راستای جذب سرمایه‌های خارجی در راستای توسعه اقتصادی و استفاده از ذخایر و منابع ملی و طبیعی، خصوصاً در حوزه میادین مشترک و ریشه در شرایطی که اقتصاد کشور نیاز به تأمین مالی خارجی برای توسعه میادین نفتی دارد، ارائه توصیف و تحلیل قرارداد جدید بالادستی نفتی ایران در این حوزه می‌باشد.

تصدیقاً با ارائه تحلیل صحیح از مسعت قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل بکارگیری شده و تأثیر آن در تحقق رانندگی درآمد‌های نفتی بعنوان منبع تأمین بودجه و ایزاری مهم برای جذب سرمایه خارجی بمنظور توسعه و آبادانی کشور، با لحاظ اینکه استفاده از این ساز و کار حقوقی عملاً از سال ۱۳۴۶ به بعد بستر تأمین سرمایه لازم برای اجرای پروژه‌های عظیم نفتی و گازی را فراهم کرده، بگونه‌ای که متعاقب کشف و توسعه میادین نفتی از سوی پیمانکار و تحویل آن به کارفرما جهت بهره‌برداری، تاکنون از رهگذر تولید و فروش محصولات نفتی، درآمد‌های موردنظر قانونگذار محقق گردیده و نتیجه با تأمین بودجه برای اجرای طرحهای عمرانی اعم از راه، سد، نیروگاه و سایر راسختهای توسعه‌ای کشور بستر پیشرفت بسوی آبادانی کشور فراهم گردید؛ با شروع تحریم و عدم انعقاد این قرارداد، جذب سرمایه خارجی به حداقل ممکن رسیده و طرحهای توسعه‌ای بخش نفت و گاز بلااجرا مانده و ضمن آنکه درآمد‌های نفتی کشور همانند سابق بمیزان پیش بینی شده محقق نگردیده، دولت دچار مضائقه مالی شده- که در گزارش عملکرد قوانین برنامه پنجساله توسعه و تفریغ بودجه سنوات اخیر بیان شده است- و منابع سرشار زیرزمینی کشور نیز به سبب سرمایه‌گذاری‌های عظیم همسایگان ایران، از سوی آنان مورد بهره‌برداری قرار گرفته و بدین ترتیب منابع نفتی میادین مشترک، از ید ملت ایران خارج و کشور از آن

محروم گردیده و علاوه بر آن، از لحاظ امنیت ملی و سیاسی نیز کشور در شرایط خاصی در جهان قرار گرفته است.

بنابراین، در این پژوهش تلاش شده تا با نگاهی نو به موضوع، به آنچه که درباره حقوق حاکم بر نسل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران در مقایسه با نسل‌های قبلی آن، که تحت عنوان قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل یا همان قرارداد خدمت، مطرح است و تأثیر حقوقی این دسته از قراردادها بر جذب سرمایه خارجی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز و آثار ناشی از انعقاد این نوع از قراردادها بر توسعه کشور و موازین حقوقی ناظر به موضوع از طریق تجزیه و تحلیل قواعد حقوقی مربوط در ساخت ساختاری و هنجاری آن با رویکردی پژوهشی در باب مباحثات کاملاً کاربردی، پرداخته شود تا در مسائل مستحدثه با لحاظ تکنیک‌های حقوقی به ادا می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از اهداف مهم در بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع این کتاب آن است که مشخص شود، علت وجودی ساختار حقوقی قراردادهای بین‌المللی بیع متقابل و غایات آن چه می‌باشد و چه مفهومی در این ساختار حاکم می‌باشد و این ساز و کار حقوقی در چه فضای اقتصادی یا اجتماعی وضع شده که باید به شناسایی واقع و بیان شود؛ آیا اساساً می‌توان به آن، یک ساختار حقوقی اطلاق نمود یا خیر؟ و علاوه بر آن، نسل جدید قرارداد بالادستی نفتی ایران، چگونه می‌تواند نسبت به نسل‌های پیشین خود، سبب رغبت و تحرک بخشی بیشتر در جذب سرمایه خارجی برای سرمایه‌گذاری و رای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای صنعت نفت شود.

لاجرم در این موضع، باید از رویه‌های مورد عمل استقراء گرفتار مثلاً محصور شود، تأثیر این ساختار حقوقی در جذب سرمایه خارجی برای اجرای طرح‌های اکتشافی و توسعه میادین نفتی چه میزان و اساساً مبتنی بر نظام حقوقی مربوط، اراده طراحان و واضعان این ساختار نوین حقوقی در ایجاد آن چه بوده و سپس با استنتاج منطقی، بتوان به شناخت اصول بنیادین و محورهای ساخت آن رهنمون شد. تصدیقاً طی این مسیر ملازمه با یک تحلیل تاریخی و حقوقی دارد که مستلزم مراجعه به ارزشهای بنیادین وضع این ساختار حقوقی همراه با نقد عملکرد و رویه‌های موجود نسبت به آن نرملهای مقبول حقوقی، تجاری و اقتصادی است.

هدف دیگر این تألیف، شناسایی اعتبار حقوقی نظام و ساختار منحصر به فرد حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل با لحاظ کاستیها و بایسته‌های مربوط و وضعیت

نسل جدید قراردادهای نفتی ایران است که با توجه به مفاهیم خاص خود، ضابطه رفتار در روابط بین‌المللی بین کشور صاحب منابع طبیعی نفت و گاز و شرکت بین‌المللی نفتی خارجی محسوب شده و بعنوان مکانیزم ویژه برقراری رابطه حقوقی بین آنان ایفای نقش می‌کند.

صریحاً اذعان می‌شود که در تحقیق پیرامون موضوع معنون در این کتاب، با استفاده از تکنیک ساخت و ترکیب مفاهیم و بکارگیری شیوه انطباق ضابطه شناسایی شده و معتبر در این ساختار منحصر به فرد حقوقی بر وقایع و عینیات منبث از بکارگیری نسل‌های قبلی این نظام حقوقی و شناسایی آثار انعقاد چنین قراردادهایی در صنعت نفت، مکانیزم لازم برای تحلیل موضوع کتاب حاضر فراهم شده است.

در تحلیل این ساختار حقوقی بین‌المللی، با شناسایی تمامی قواعد مورد استعمال در آن و ارزیابی و اعتبار سنجی آنها در مواجهه با مبانی اساسی حقوق داخلی و بین‌المللی، و نقش مؤثر ساختار مذکور بر ایجاد تعادل بین منافع متضاد و تأثیر شگرف آن در نظم مستقر و حاکم بر روابط بین کشور صاحب منابع نفتی و شرکت سرمایه گذار بین‌المللی خارجی طرف قرارداد، به نتیجه گیری پرداخته شده است.

بهر حال متأثر از کارکرد این ساختار نفتی منحصر به فرد در عالم حقوق، شکلی از قرارداد بین‌المللی بعنوان ساختاری منسجم با نرملهای خاصی که اکنون در بین برخی از اعضای جامعه بین‌المللی صاحب منابع طبیعی نفت و گاز، مورد استفاده می‌باشد و بر روابط آنان حاکم شده و به آن نظم بخشیده، بوجود آمده است؛ ایکن اینک نرملهای این ساختار حقوقی در عالم حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجارت بین‌الملل هم کلیت داشته باشد و بعنوان یک نرمل اساسی شناخته شود، اندکی قابل تأمل است. زیرا روش ساخت نرمل در عرصه حقوق بین‌الملل بخصوص در گذشته، مبتنی بر رضایت و اراده دول علیین یک معاهده بعنوان تابعان منحصر به فرد حقوق بین‌الملل بوده، لیکن با اعطای صلاحیت و شخصیت حقوقی به شرکتهای بین‌المللی از سوی حقوق بین‌الملل و قرار گرفتن این اشخاص در زمره تابعان جدید این حقوق، باید در قبول مطلق یا نفی کامل تأثیر عملکرد این تابعان جدید در فرآیند ساخت نرملهای حقوقی نیز احتیاط نمود.

امروزه نیز برخی از نرملها به جهت ویژگی‌های مربوط و اینکه کاشف از نظمیه هستند که در حال ایجاد می‌باشد و علاوه بر اینکه معطوف به ظهور تابعان جدید در این عرصه می‌باشند، حتی بدون اراده دولتها بوجود آمده و بر آنها تحمیل می‌شوند؛ بنابراین اظهار نظر

صریح در این مورد، محتاج بررسی ادله ابرازی است که در عین حال به این موضوع در ادامه مباحث توجه خواهد شد.

مع الوصف، اجمالاً در این موضع بیان می‌شود همانگونه که در تحلیل موضوع حقوق بین‌الملل عام باید جامعه بین‌المللی و اصول، فنون و ارزشهای بنیادین آن شناخته شده و متعاقباً جایگاه ساختار حقوقی مورد تحقیق در این نظام پهن‌آور حقوقی شناسایی گردد و با احراز اتصال آن ساختار به نظام یا ارزشهای بنیادین جامعه بین‌المللی، از طریق انطباق دادن این ساختار به نظر بر وقایع بتوان نتیجه‌گیری نمود، لذا به جهت خصوصیات انحصاری ساختار حقوقی قراردادهای بین‌المللی بیع متقابل، باید در اعلام ظهور یک نرْم جدید در روابط حقوق بین‌الملل اقتصادی و تجارت بین‌الملل به شیوه متداول رجوع نمود؛ که بلحاظ اینکه اساساً موضوع این کتاب بررسی و تحلیل نسل جدید قراردادهای بین‌المللی نفتی از بیع متقابل تا (I.P.C) است در صدد بررسی و شناسایی نرْم مورد اشاره بعنوان یک موضوع مستقل نیست، لیکن بطور غیرمستقیم به آن نظر داشته و در تحلیل خود بطور ضمنی به آن پرداخته است.

در مسیر انجام این تحقیق، سئوالات و فرضیه‌هایی برای پژوهش مطرح شده که معطوف به موضوع و مباحثی می‌باشد که پیرامون آن مطرح است، سئوالاتی که پاسخ به آنها در این کتاب، ما را در تبیین درست و صحیح مسئله رهنمون خواهد شد. آنچه که می‌تواند بعنوان پرسش اساسی باشد، این است که نظر به تحولاتی که قراردادهای بین‌المللی نفتی داشته‌اند و عنایت به مزایا و معایب و عبارتی کاستیها و بایسته‌های قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل، آیا این قراردادها در جذب سرمایه خارجی، انتقال دانش فنی و تکنولوژی‌های لازم برای عملیات نفتی و ارتقاء توانمندیهای داخلی موفق بوده‌اند یا خیر و چه ضررهائی حادث شده که لاجرم باید در صدد تحوّل در این قراردادها و ایجاد مدلی جدید برای آن بود و در این رهگذر اصولاً چه زیرساخت‌هایی باید برای این تغییرات وجود داشته باشد و در چه مسیری باید حرکت کرد؟

در راستای پاسخ به این پرسش اساسی، سئوالات فرعی نیز وجود دارند که پاسخ به آنها رهیافتی برای تبیین مطلوب موضوع کتاب حاضر است. این سئوالات اساسی اجمالاً بدین شرح می‌باشند:

الف) اساساً قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل چیست و به چه علت در برخی از کشورهای دارای منابع نفت و گاز، میان انواع قراردادهای موجود حقوقی بین‌المللی رجحان داشته و به این نوع از قراردادها در صنعت نفت رجوع می‌شود؟